

مطالعه تطبیقی تأثیر تقلب شخص ثالث بر پرداخت وجه معاملات اسنادی

مرتضی شهبازی نیا^{۱*}، زهرا ایوبی^۲

۱. دانشیار گروه حقوق، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

۲. دانشجوی دکتری گروه حقوق، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

دریافت: ۹۳/۱۱/۲۵

پذیرش: ۹۴/۱۲/۱

چکیده

یکی از ویژگی‌های اساسی معاملات اسنادی، استقلال این معاملات از قرارداد پایه و اسنادی بودن شروط پرداخت آن‌ها است. ذینفع اعتبارنامه هنگام تقاضای پرداخت باید اسناد مقرر در اعتبارنامه یا ضمانتنامه را ارائه دهد. در برخی موارد اسناد ارائه شده از سوی ذینفع متقلبانه است که تقلب صورت گرفته ممکن است بدون همکاری یا اطلاع ذینفع توسط شخص ثالث ارتکاب یافته باشد. در این‌که آیا قاعده تقلب در تقلب شخص ثالث نیز قابل اعمال است یا خیر، دو دیدگاه مطرح شده است. گروهی قائل به این نظرند که در این موارد قاعده تقلب، قابل اعمال است و باید از پرداخت وجه ممانعت به عمل آید. در مقابل، گروه دیگر بر این باورند که قاعده تقلب در مقابل ذینفع بی‌تقصیر قابل اعمال نیست و وجه اعتبارنامه باید پرداخت شود. این مقاله موضع نظام‌های حقوقی را در این باره بررسی و تحلیل می‌کند.

واژگان کلیدی: معاملات اسنادی، اعتبار اسنادی، ضمانتنامه بانکی، اصل انطباق دقیق، تقلب شخص ثالث

Email: shahbazinia@modares.ac.ir

* نویسنده مسؤول مقاله:



۱. مقدمه

معاملات اسنادی^۱ شامل اعتبارات اسنادی^۲ و ضمانتنامه‌های بانکی^۳ است که ویژگی و ماهیت بارز این ابزار تجاری، اسنادی بودن آن‌ها است. این معاملات را از آن جهت که شرط پرداخت آن‌ها ارائه اسناد معین از طرف ذینفع است و در واقع، طرفین تنها براساس اسناد عمل می‌کنند، معاملات اسنادی می‌نامند. مشخصه اساسی این معاملات در عالم حقوق، استقلال آن‌ها از قرارداد پایه است. مطابق این اصل، اعتبار اسنادی از قرارداد پایه مستقل است و ایرادات ناشی از قرارداد پایه قابل استناد در معاملات اسنادی نیست. هنگامی که ذینفع^۴ اسناد مقرر در اعتبارنامه را ارائه دهد بانک بدون توجه به اختلافات مطرح بین طرفین، چنانچه اسناد منطبق با شروط اعتبارنامه باشد موظف به پرداخت وجه به ذینفع است. اما با وجود این، نسبت به این اصل استثنائاتی مطرح شده است. مهم‌ترین استثنایی که همگان نسبت به آن هم‌سخن هستند، قاعده تقلب است که اعمال آن می‌تواند مانع از پرداخت وجه به ذینفع شود. تقلب می‌تواند توسط سه شخص صورت گیرد: ذینفع، متقاضی و شخص ثالث. در حالت اخیر ممکن است تقلب بدون همکاری و یا اطلاع ذینفع توسط ثالث صورت گیرد. در این مقاله پس از تعیین مفهوم تقلب شخص ثالث، دیدگاه‌های مختلف در این زمینه مطرح و بررسی می‌شود. پرسش اصلی در این مقاله آن است که در صورت بی‌اطلاعی ذینفع، تقلب شخص ثالث چه تأثیری بر روابط طرفین دارد و آیا قاعده تقلب قابل اعمال است؟ برای بررسی این پرسش حقوق ایران، آمریکا و انگلیس و کنوانسیون آنسیترال راجع به ضمانتنامه‌های مستقل و اعتبارنامه‌های انتظاری محور مطالعه تطبیقی قرار گرفته است.

۱. documentary transactions
۲. documentary letters of credit
۳. bank guarantee
۴. beneficiary



۲. مفهوم تقلب شخص ثالث

طرف‌های اصلی یک معامله اسنادی عبارتند از: ذینفع، متقاضی و گشاینده^۱. با این حال، در بیش‌تر معاملات اسنادی، علاوه بر این سه شخص، افراد دیگری نیز درگیر هستند. این اشخاص را می‌توان به دو گروه تقسیم کرد: گروه نخست اشخاصی هستند که مستقیماً در پرداخت اعتبار اسنادی دخالت دارند. برای مثال بانک پرداخت‌کننده، بانک تاییدکننده و بانک ابلاغ‌کننده در این دسته قرار می‌گیرند [۱، ص ۱۱۲؛ ۲، ص ۲۴۳]. دومین گروه اشخاصی هستند که مستقیماً در اجرای پرداخت اعتبارنامه نقش ندارند، ولی در دیگر معاملات یا فعالیت‌های مربوط به معاملات اسنادی، همکاری و مشارکت دارند. مثلاً در اعتبارنامه اسنادی، متصدی حمل و نقل، واسطه و دلال و بیمه‌کننده، مستقیماً دخالت ندارند، اما می‌توانند در تهیه و تدارک مدارک و اسناد لازم برای ارائه یا مطالبه وجه اعتبارنامه، فعالیت و همکاری داشته باشند [۱، ص ۱۲۱؛ ۲، ص ۲۴۳؛ ۳، ص ۳۷]. رفتار گروه دوم، به عنوان اشخاص ثالث، ملاک است و تقلب صورت گرفته از سوی آن‌ها به عنوان تقلب شخص ثالث قلمداد می‌شود [۱، ص ۱۲۱؛ ۲، ص ۲۴۳].

۳. رویکرد برخی محاکم خارجی در قبال تقلب شخص ثالث

تقلب از سوی شخص ثالث، در پرونده‌های اعتبارات اسنادی محاکم کم‌تر دیده می‌شود. قاضی استیفنسون^۲ در این باره اظهار می‌دارد: «هیچ مرجع انگلیسی و آمریکایی به طور مستقیم در تصمیم خود به تقلب شخص ثالث به عنوان تهیه‌کننده سند مجعول، رأی نداده است و استدلال قابل قبولی برای اثبات تأثیر تقلب شخص ثالث در شرایطی که اسناد ارائه شده در ظاهر منطبق با شرایط اعتبارنامه است، وجود ندارد. بیش‌تر پرونده‌های تقلب مربوط می‌شود به تقلب فروشنده در درخواست وجه اعتبارنامه در مقابل مقداری کالای بی‌ارزش و یا وقتی کالا معیوب است و فروشنده با

۱. issuing bank

۲. Stephenson



تدلیس تقلب خود را پنهان کرده است» [۱، ص ۱۲۱].
بررسی برخی احکام صادر شده از محاکم خارجی نشان می‌دهد که درخصوص تأثیر تقلب شخص ثالث، نظرهای متفاوتی ابراز شده است و استدلال‌هایی در تقویت یا رد این دیدگاه‌ها به عمل آمده است. برخی بر این عقیده‌اند که نباید قاعده تقلب را به تقلب شخص ثالث تسری داد و دامنه قاعده تقلب را گسترش داد. در مقابل گروه دیگر بر این باورند که باید احکام تقلب را در مورد تقلب شخص ثالث نیز جاری دانست و مانع سوء استفاده از این ابزار تجاری شد. در این مبحث ابتدا دو پرونده را مطرح می‌کنیم. لازم به ذکر است علیرغم تفحص، سابقه‌ای از این موضوع در رویه قضایی داخلی یافت نشد.

۳-۱. دعوای یونایتد سیتی مرچنتس^۱

یکی از مشهورترین دعاوی مطروح در موضوع تقلب شخص ثالث در انگلستان، دعوای یونایتد سیتی مرچنتس به طرفیت بانک شاهی کانادا است. در این دعوا، شرکت انگلیسی گلاس فایبر برای فروش یک خط تولید فایبر گلاس با یک شرکت پرویی به نام شرکت سهامی ویتورفورزوس قرارداد بیعی منعقد کرد. مقرر شد ثمن از طریق یک اعتبار اسنادی غیرقابل فسخ پرداخت شود. شرکت فایبر، کلیه حقوق و امتیازات ناشی از اعتبار اسنادی را به شرکت یونایتد سیتی مرچنتس انتقال داد. مطابق قرارداد، محموله باید در دسامبر یا پیش از آن ارسال می‌گردید. فروشنده پس از تکمیل تجهیزات موضوع قرارداد، آن‌ها را جهت حمل برای نمایندگان حمل و نقل فرستاد و آخرین مهلت ارسال بار را به نمایندگان حمل متذکر شد. همچنین این مسأله را به آقای بیکر که یکی از خدمه شرکت مسؤل بارگیری بود، اعلام کرد. با این همه، کالا در تاریخ ۱۶ دسامبر ارسال شد و رویال بانک متوجه این تزویر شد. هنگامی که اسناد جهت مطالبه وجه ارائه شد، بانک مزبور اسناد را نپذیرفت. خواهان به جهت امتناع ناروا از پرداخت وجه

۱. United City Merchants v. Royal Bank of Canada, ۱۹۷۹(۱) Lloyd's Rep. ۲۶۷.



اعتبار اقامه دعوا کرد. خواندگان در مقابل دفاع کردند که اسناد ارائه شده جعلی است. در مرحله بدوی قاضی موکاتا^۱ استدلال کرد: «چنانچه فروشنده‌ای که اسناد را به موجب اعتبار اسنادی ارائه می‌کند، خود شخصاً مرتکب تقلب شده باشد، قاعده سبب متقلبانه، استحقاق اقامه دعوا را ایجاد نمی‌کند و بانک می‌تواند از پرداخت وجه خودداری کند. اما معتقدم در پرونده‌ی حاضر، هیچ تقلبی از جانب فروشنده رخ نداده و آقای بیکر نماینده خواهان در تنظیم و صدور بارنامه نبوده و در ارائه اسناد هیچ تقلبی از جانب خواهان صورت نگرفته است». این رأی در مرحله پژوهش‌خواهی نقض گردید. دادگاه پژوهش استدلال کرد نیابتی که متقاضی اعتبار به بانک داده است، تنها ناظر به این است که بانک وجه را در قبال اسناد اصل و صحیح بپردازد. اسناد مجعول، مشمول این دستور نبوده، این واقعیت که تقلب از سوی شخص ثالث ارتکاب یافته، مانع از آن نیست که بانک، دفاع تقلب را مطرح کند.

قاضی لرد آکنر^۲ اظهار داشت: «اگر اسناد مجعول باشند، واضح است که اعتباری ندارند. دستورات خریدار به بانک باید چنین تفسیر شود که خریدار لازم دانسته فقط اسناد معتبر پذیرفته شود. این ماهیت سند است که ملاک بررسی اسناد توسط بانک است، نه هویت صادرکننده سند» [۴، ص ۱۷۳؛ ۲، ص ۲۸۶-۲۹۷]. سرانجام مجلس اعیان، رأی دادگاه پژوهش را نقض کرد و دوباره به رأی که قاضی موکاتا در مرحله بدوی داده بود، بازگشت. لرد دیپلاک^۳ رأی داد که قاعده تقلب در این دعوا قابل اجرا نیست، زیرا تقلب را شخص ثالث، بی آن‌که ذینفع از آن مطلع باشد، مرتکب شده است. به عقیده وی «تعهد بانک در برابر متقاضی این است که کلیه اسناد ارائه شده را با مراقبت معقولی بررسی کند تا مطمئن گردد که اسناد مزبور، بر حسب ظاهرشان منطبق با شروط و تعلیقات اعتبار است و در این صورت وجه مقرر در اعتبار را به ذینفع بپردازد» [۲، ص ۲۹۷].

۱. Justice Mocatta

۲. Lord Justice Ackner

۳. Lord Diplock



۳-۲. دعوای کوچی فوکو^۱

در این پرونده ذینفع اعتبار (کوچی فوکو) به دلیل امتناع ناروا از پرداخت وجه اعتبار علیه بانک در دادگاه چین اقامه دعوا کرد. بانک (خوانده) در مقابل ادعای خواهان به دلیل این که تاریخ واقعی حمل کالا با تاریخ بارنامه متفاوت بود مدعی جعلی بودن اسناد ذینفع شد. همچنین عدم تطابق کیفیت کالاها با قرارداد پایه را مطرح کرد. دادگاه بدوی چنین استدلال کرد: «معامله اعتبار اسنادی از قرارداد پایه مستقل است و لذا دفاع یا ادعاهایی که مبتنی بر قرارداد پایه باشند، مورد توجه قرار نمی‌گیرند؛ مگر آن که تقلبی با دلیل روشن و صریح مطرح باشد و در این دعوا، مدارک کافی و مستدلی در این باره وجود ندارد. بنابراین بانک ملزم به پرداخت وجه به ذینفع اعتبار است». بانک از رأی بدوی تجدیدنظر-خواهی و ادعا کرد با توجه به این که اسناد ارائه شده، جعلی و متقلبانه هستند و کیفیت کالاها پایین بودند، حق دارد از پرداخت امتناع کند. برای دادگاه دو مسأله کلیدی وجود داشت: این که آیا مدارک و دلایل کافی و روشن درخصوص تقلب وجود دارد یا خیر و دیگر این که آیا جعل تاریخ بارنامه، تقلب مؤثر محسوب می‌شود یا نه؟

طبق قرارداد میان طرفین، تاریخ مقرر برای حمل کالا ۳۱ می ۲۰۰۲ بود؛ اما کالاها در تاریخ ۱ ژوئن ارسال شده و در متن بارنامه تاریخ ۳۱ می به عنوان تاریخ ارسال کالاها قید شده بود. دادگاه قبل از صدور رأی، از دادگاه عالی استان درباره مسأله کلیدی «تاریخ غیر واقعی حمل کالا» مشورت خواست. دو نظر بیان شد. گروهی بر این عقیده بودند که بانک بر مبنای جعلی بودن تاریخ بارنامه نمی‌تواند از پرداخت وجه اعتبارنامه خودداری کند؛ چرا که ذینفع در ارتکاب تقلب مشارکت و همکاری نکرده و اطلاعی از ارتکاب چنین تقلبی نداشته است. گروه دیگر بر این نظر بودند که تاریخ غیر واقعی بارنامه، به تجارت آسیب و ضرر وارد می‌کند و بانک گشاینده با توجه به این که اسناد، منطبق با شروط قرارداد نیستند حق دارد از پرداخت وجه امتناع کند. بدین

۱. Kuchifuku Foods Company, China (Kuchifuku) v. Industrial Bank of Korea and Nuclear Power Plant Sub-branch of the Bank of China (Nuclear Power) CLI.C.۶۷۳۸۹ (EN).



ترتیب، بدون در نظر گرفتن علم یا همکاری ذینفع در ارتکاب تقلب، جعل در تاریخ بارنامه مانع از پرداخت وجه به ذینفع است.

سرانجام دادگاه عالی بیان کرد که تاریخ جعلی بارنامه، لزوماً مستلزم تقلب در اعتبار اسنادی نیست و منجر به اعمال قاعده تقلب نمی‌شود و در این پرونده ذینفع مرتکب تقلب نشده و متقاضی متحمل ضرر واقعی از تاریخ جعلی بارنامه نشده است. لذا چنین رفتاری نباید تقلب محسوب شود و بانک حق ندارد از پرداخت وجه امتناع کند. علاوه بر این، برای اثبات تقلب باید دلایل کافی و روشن وجود داشته باشد. عناصری که برای اثبات تقلب نیاز است عبارتند از: علم و اطلاع ذینفع از تقلب، شرکت و همکاری وی در ارتکاب تقلب. بنابراین تقلب از سوی شخص ثالث (مثلاً متصدی حمل و نقل) نمی‌تواند به عنوان استثنای تقلب در نظر گرفته شود.

دادگاه تجدیدنظر با توجه به مشاوره دادگاه عالی رأی داد که به چند دلیل عمل ذینفع متقلبانه نبوده است. اولاً ذینفع کالاها را بسته‌بندی کرده و جهت ارسال کالا در تاریخ مقرر برای متصدی حمل و نقل فرستاده بود و نیازی به ارتکاب تقلب و جعل تاریخ بارنامه نداشت. ثانیاً بانک هیچ دلیلی برای اثبات همکاری یا علم ذینفع، در ارتکاب تقلب ارائه نکرده است. ثالثاً درباره این‌که از تأخیر در ارسال کالاها، متقاضی متحمل ضرر قابل توجهی شده است بانک دلیلی ارائه نکرده است. بنابراین بانک نمی‌تواند به عنوان دفاع برای عدم پرداخت، به این مسأله استناد کند [ص ۱-۳].

در هر دو پرونده فوق، برخی از قضات بر این نظر بودند که قاعده تقلب قابل اعمال نیست و در مقابل برخی دیگر قاعده تقلب را قابل اعمال دانستند. در نهایت، با توجه به این‌که شخص ذینفع در ارتکاب تقلب نقشی نداشته و از این مسأله مطلع نبوده است، تقلب شخص ثالث را دلیلی برای اعمال قاعده تقلب ندانسته، حکم به پرداخت داده شد.

تفاوت در دیدگاه‌ها عمدتاً به دلیل اختلاف در ملاحظات سیاسی و اقتصادی نظام‌های اقتصادی گوناگون است. برخی از این ملاحظات عبارتند از: درجه اهمیت



تجارت بین‌الملل، حفظ استقلال اعتبارات اسنادی، نقش محدود بانک صادرکننده در استفاده از این اصل و اهمیت اعمال استثنای تقلب، به گونه‌ای که استثنای تقلب نباید وسیله‌ای برای ایجاد بی‌ثباتی جدی و عدم اعتماد استفاده از اعتبارات اسنادی شود و همزمان رعایت اصل استقلال نباید موجب فراهم شدن زمینه تقلب و تسهیل‌کننده تقلب در تجارت بین‌الملل باشد. تأکید بر هر یک از این ملاحظات موجب تمایل به یکی از دو رویکرد فوق می‌شود.

۴. دیدگاه طرفداران تأثیر تقلب شخص ثالث در مطالبه وجه معاملات اسنادی

استدلال‌های گوناگونی در حمایت از پذیرش قاعده تقلب در مورد تقلب صورت گرفته توسط شخص ثالث، بیان شده است که می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:
اول) هدف استثنای تقلب: یکی از اهداف اصلی که وضع استثنای تقلب را توجیه می‌کند، حمایت از بانک‌ها و متقاضیان در مقابل تقلب است که ممکن است تقلب توسط ذینفع یا ثالث صورت گیرد و موجب خسارت به بانک و متقاضیان شود [۶، ص ۸۰؛ ۷، ص ۱۵۴-۱۵۶]. در واقع، این استثنا بیانگر رویکردی منعطف نسبت به اعمال اصل استقلال با هدف حمایت از متقاضی است. بر این اساس، اعمال نکردن احکام تقلب نسبت به تقلب شخص ثالث، باعث عدم دستیابی به هدف اصلی استثنای تقلب می‌شود [۷، ص ۱۵۶].

دوم) محور بودن اسناد در معاملات اسنادی: ماده ۵ یو. سی. پی ۱۶۰۰ مقرر داشته است: در معاملات اسنادی، بانک‌ها با اسناد سر و کار دارند، نه کالا و خدمات یا اجرای تعهدی که با سند مسجل نمی‌شوند. با توجه به نقش حیاتی اسناد در معاملات اسنادی، معیارها و الزامات مقرر برای اسناد باید دقیقاً رعایت شود. اسناد ارائه شده توسط

۱. Article ۵, Uniform Customs and Practices for Documentary Credits ۶۰۰



ذینفع، علاوه بر این که باید منطبق با شرایط و ضوابط مندرج در اعتبارنامه باشد، باید معتبر و واقعی و منعکس‌کننده حقایق واقعی معامله پایه نیز باشد. اصالت اسناد، پایه و اساس موفقیت در معامله اسنادی است و همین امر ضرورت تسری احکام تقلب به تقلب‌های شخص ثالث را توجیه می‌کند [۱، ص ۱۲۹-۱۳۰].

سوم) معیار بودن ماهیت اسناد: پیشینه تاریخی تکامل قاعده تقلب نشانگر این موضوع است که ملاک در اعمال قاعده تقلب، ماهیت اسناد است نه هویت شخص متقلب. اولین و قدیمی‌ترین دعوی مربوط به قاعده تقلب در آمریکا دعوی الد کمپانی تراست علیه لایرز تایتل و کمپانی بانک تراست^۱ است. در این دعوا، امتناع بانک از پرداخت به علت جعلی بودن قبض انبار، پذیرفته شد؛ با این استدلال که «زمانی که گشاینده اعتبار مطلع است سند ارائه شده علی‌رغم مطابقت و صحت ظاهری، غیرقانونی و متقلبانه است، می‌تواند سند را نپذیرد و نمی‌توان بانک را ملزم به پذیرفتن چنین سندی کرد» [۲، ص ۲۹۳].

این دیدگاه در حقوق انگلیس نیز پذیرفته شده است. در دعوی^۲ لرد دنینگ بیان داشت: هنگامی که اسناد جعلی و متقلبانه است یا جایی که حق مطالبه وجود ندارد، درخواست پرداخت از سوی ذینفع، متقلبانه است. لذا بانک نباید پرداخت را انجام دهد، بلکه باید از پرداخت امتناع کند. در دعوی دیگری^۳ دادگاه انگلیس اعلام کرد: «اسناد باید معتبر و صحیح باشد، این شرط در صورتی که اسناد جعلی و متقلبانه باشد، نقض شده است» [۲، ص ۲۹۲-۲۹۳].

همچنین با توجه به کنوانسیون آنسیترال راجع به ضمانتنامه‌های مستقل و اعتبارنامه‌های انتظاری^۴ هنگامی که اسناد جعلی، متقلبانه و مزورانه است، قاعده تقلب اعمال می‌شود و در واقع مسأله‌ای که مهم و قابل توجه است، ماهیت اسناد، بدون توجه

۱. Old Colony Trust Co v. Lawyers' Title and Bank Trust Co. (۱۹۲۴) ۲۹۷ F ۱۵۲.

۲. Edward Owen Eng'g Ltd. v. Barclays Bank Int'l Ltd., (۱۹۷۸) ۱ All E.R. ۹۷۶ (C.A.).

۳. Etablissement Esefka International Anstall v. Central Bank of Nigeria [۱۹۷۹] ۱ Lloyd's Rep. ۴۴۵

۴. UNCITRAL Convention on Independent Guarantees and Standby Letters of Credit



به هویت شخص متقلب و شخص جاعل است [۴، ص ۱۳۰؛ ۷، ص ۱۵۵؛ ۸، ص ۲۷]. همچنین ماده ۵ اصلاحی قانون متحدالشکل تجارت آمریکا^۱ مقرر می‌دارد: «(۱) چنانچه یکی از اسناد لازم مجعول یا به طور عمد مزورانه باشد یا پرداخت وجه اعتبار در مقابل آن سند، ارتکاب تقلب عمد را از سوی ذینفع به زیان گشاینده اعتبار یا متقاضی اعتبار تسهیل نماید، گشاینده اعتبار با رعایت حسن‌نیت اختیار دارد سند مزبور را پذیرفته، وجه اعتبارنامه را بپردازد یا از پذیرش این سند و پرداخت وجه خودداری کند. (۲) چنانچه متقاضی اعتبار ادعا کند یکی از اسناد لازم مجعول یا به طور عمد مزورانه است یا پرداخت وجه اعتبار در مقابل آن سند ارتکاب تقلب عمد را از سوی ذینفع به زیان گشاینده اعتبار یا متقاضی اعتبار تسهیل می‌کند، دادگاه صلاحیتدار می‌تواند گشاینده اعتبار را موقتاً یا دائماً از پذیرش آن سند و پرداخت وجه اعتبار در قبال آن منع کند یا ضمانت اجرای مشابهی را علیه گشاینده اعتبار یا اشخاص دیگر اعمال کند.»^۲ مطابق این مقررات چنانچه سند جعلی باشد بدون در نظر گرفتن شخص مرتکب، قاعده تقلب قابل اعمال است و بانک می‌تواند از پرداخت وجه به ذینفع خودداری کند [۴، ص ۱۳۰؛ ۲ ص ۲۹۲].

علاوه بر موارد فوق، پرداخت بانک در برابر اسناد جعلی منجر به بی‌عدالتی و اخلال در نظام پرداخت به شیوه اعتبارات اسنادی می‌شود؛ زیرا اسناد مجعول، فاقد ارزش تجاری و یک قطعه کاغذ بی‌ارزش هستند؛ [۹، ص ۱۴۸؛ ۱۰، ص ۳۰۳-۳۰۴].

چهارم) دشواری اثبات دعوا: اگر برای اعمال قاعده تقلب نسبت به تقلب شخص ثالث، علم و اطلاع ذینفع را شرط بدانیم، اعمال استثنای تقلب نسبت به تقلب شخص ثالث، به این معنا است که بانک و متقاضی علاوه بر اثبات و ارائه دلیل درباره وجود تقلب و اثبات آن باید علم و اطلاع ذینفع از تقلب را اثبات کنند و این امر نسبت به بانک و متقاضی بی‌گناه مشکل و ناعادلانه به نظر می‌رسد [۷، ص ۱۵۴]. به‌علاوه، مطابق این

۱. Uniform Commercial Code (UCC)

۲. U.C.C, Article ۵, Letters of Credit, Section ۵-۱۰۹. Fraud and Forgery.



رویگرد، قصد و نیت ذینفع اعتبارنامه، ملاک تأثیر تقلب خواهد بود [۸، ص ۱۳۲]. با توجه به این که قصد و نیت، اموری درونی هستند، اثبات آن‌ها مشکل و شاید بتوان گفت در این خصوص غیر ممکن است [۱۱، ص ۱۴۷]. لذا اعمال قاعده تقلب نسبت به تقلب شخص ثالث سبب می‌شود که اولاً هدف از استثنای تقلب که همان حفظ ارزش اصل استقلال اعتبار از قرارداد پایه است، تأمین شود و ثانیاً در رویه قضایی، استثنای تقلب عینی‌تر و آسان‌تر اعمال شود [۷، ص ۱۵۶].

پنجم) تقسیم ریسک بین طرفینی که بی‌تقصیر هستند: هنگامی که شخص ثالث مرتکب تقلب می‌شود و ذینفع بی‌اطلاع است، چه کسی باید این ضرر و خسارت را تحمل کند؟ بانک، ذینفع یا متقاضی؟ معاملات اسنادی وسیله‌ای است که برای ذینفع، اطمینان در پرداخت ایجاد می‌کند؛ اگرچه با افزایش اطمینان ذینفع برای دریافت وجه، انتقال ضمان و خطر به متقاضی بیش‌تر می‌شود. مطابق اصل استقلال، اعتبار نامه از قرارداد پایه مستقل است و این اصل توازن خطر قابل ملاحظه‌ای به نفع ذینفع ایجاد می‌کند؛ اما اجرای مطلق این اصل در برخی موقعیت‌ها منجر به نتیجه غیرمنصفانه می‌گردد. به طور مثال، هنگامی که اسناد ارائه شده، در ظاهر منطبق با شروط قرارداد باشد، اما در واقع متقلبانه باشد، اعمال اصل استقلال منجر به حمایت از تقلب و شخص متقلب می‌شود [۱۲، ص ۱۰۱].

هدف استفاده از معاملات اسنادی، کاهش ریسک بین طرفین معامله است. اگرچه در معامله اعتبار اسنادی متقاضی و گشاینده، ریسک‌های متعارف در تجارت را می‌پذیرند، اما قانوناً ملزم نیستند خطر اسناد متقلبانه را بپذیرند. آن‌ها براساس اسناد صحیح، واقعی و معتبر معامله می‌کنند و ذینفع موظف به ارائه اسناد صحیح است و این واقعیت که او در ارائه اسناد جعلی حسن‌نیت دارد، تأثیری بر این مسأله ندارد. سیاست اقتصادی نیز تحمیل آثار تقلب شخص ثالث بر ذینفع را توجیه می‌کند [۲، ص ۲۹۶؛ ۱۲، ص ۱۰۲]. منطقی که مبنای تصمیم‌گیری نهایی در هر دو پرونده مورد اشاره در بندهای قبل را تشکیل می‌داد ارتکاب تقلب توسط شخص ثالث بدون اطلاع ذینفع بود.



اگرچه واقعیت پرونده‌ها نشان می‌دهد تمام افرادی که مستقیماً در معامله اعتبار اسنادی درگیر هستند (بانک، ذینفع و متقاضی) بی‌تقصیر بودند و متصدی حمل و نقل (شخص ثالث) مرتکب تقلب شده بود. تحت چنین شرایطی، چه کسی باید این ضرر را تحمل کند؟ و اگر متصدی حمل و نقل کالاها را دزدیده و جای آن‌ها زباله یا کالای بی‌ارزش جایگزین کرده بود و بارنامه‌ای مطابق شرایط اعتبارنامه تهیه می‌کرد، چه کسی باید ضرر را تحمل می‌کرد؟

وقتی ذینفع، حمل کالا و صدور بارنامه را به نمایندگان حمل سپرده است خودش باید ضرر را تحمل کند. افزون بر این از منظر سیاست عمومی، تقلب شخص ثالث باید مشمول استثنای تقلب شود و ذینفع زیان‌های ناشی از تقلب شخص ثالث را به دوش کشد [۱، ص ۱۳۲-۱۳۳]. چنین حکم معقولی باعث می‌شود ذینفع که به طور معمول اسناد را از شخص ثالث تحویل می‌گیرد و سپس آن‌ها را به بانک ارائه می‌دهد انگیزه یابد با دقت بیشتری رفتار و اقدامات ثالث را بررسی کند [۷، ص ۱۵۵]. همچنین این رویکرد، از مضرات و مشکلات ناشی از اثبات علم ذینفع از تقلب صورت گرفته توسط ثالث یا تبانی وی با شخص ثالث جلوگیری می‌کند [۷، ص ۱۵۵] بدین ترتیب، با اعمال نکردن قاعده تقلب و پرداخت وجه به ذینفع، وی در بررسی اسناد دلسرد می‌شود و تمایل بیشتری به عدم اطلاع از وضعیت اسناد پیدا می‌کند [۷، ص ۱۵۶؛ ۱۳، ص ۱۰۶؛ ۱۴، ص ۹۶].

ششم) اقتضای اصل انطباق دقیق: اصل انطباق دقیق اسناد ایجاب می‌کند اسناد ارائه شده جهت مطالبه وجه دقیقاً با شروط اعتبارنامه و قرارداد مطابقت داشته باشند. در دعاوی تقلب شخص ثالث اگر در بارنامه‌ها با تزویر، تاریخ مقدم قید نمی‌شد یا ذینفع یک بارنامه ارائه می‌داد که تاریخ واقعی در آن ذکر شده بود، بانک به‌آسانی می‌توانست با استناد به اصل انطباق دقیق اسناد، از قبول اسناد و پرداخت وجه خودداری کند و ذینفع هم برای اقامه دعوا علیه بانک دلیلی در اختیار نداشت. لذا اقتضای اصل انطباق نیز اعمال قاعده تقلب نسبت به تقلب ارتکاب یافته از ناحیه شخص ثالث است [۱،



۵. استدلال مخالفان تأثیر تقلب شخص ثالث

در مقابل مخالفان اظهار می‌کنند [۱۵، ص ۶۶-۱۶؛ ۱۶، ص ۲۶۲-۲۶۴] قاعده تقلب هنگامی قابل اعمال است که تقلب توسط ذینفع یا شخص دیگری از طرف ذینفع یا با اطلاع ذینفع صورت گرفته باشد. چنانچه فعل متقلبانه به صورت پنهانی توسط ثالثی صورت گیرد (مثلاً جعل تاریخ واقعی حمل توسط متصدی حمل و نقل بدون اطلاع ذینفع) ذینفع مستحق دریافت وجه است [۱۷، ص ۳] و تقلب شخص ثالث مسأله‌ای نیست که بانک بتواند با استناد به آن از پرداخت وجه امتناع کند. اگرچه فعل متقلبانه به نفع ذینفع ارتکاب یافته، ولی ارتکاب تقلب، بدون همدستی و تبانی با وی صورت یافته است. حتی اگر ذینفع بعد از ارائه اسناد و امتناع بانک نسبت به پرداخت وجه از متقلبانه بودن اسناد آگاه شود، نمی‌تواند خدشه‌ای به حق مطالبه ذینفع وارد کند [۱۸، ص ۱۶۹]. دلایل این گروه عبارتند از:

اول) لطمه به کارکرد معاملات اسنادی: اعمال تقلب نسبت به تقلب شخص ثالث موجب گسترش استثنای تقلب می‌شود. نتیجه این امر، از بین رفتن کارایی این اسناد تجاری و همچنین کاهش تأثیر و رعایت اصل استقلال خواهد بود [۷، ص ۱۵۶]. اگر در هر موردی قاعده تقلب اعمال شود این خطر برای تجارت بین‌الملل وجود دارد که اعتماد تجار به ساز و کار معاملات اسنادی از بین برود؛ چرا که این امکان وجود دارد که به صرف یک تقلب کوچک از ناحیه شخص ثالث بدون این‌که ذینفع از آن مطلع باشد یا همکاری داشته باشد از پرداخت وجه به وی جلوگیری به عمل آید. این امر باعث ایجاد بی‌اعتمادی به این ابزار در عرصه تجارت می‌شود.

دوم) مغایرت با ضرورت اثبات تقلب: رویه حقوق اقتصادی درباره دلیل تقلب این است که دلیل تقلب باید به‌وضوح، آشکار، بدون شک و تردید اثبات شود [۱۸، ص ۴۶].



علاوه بر این، ارائه دلیل در رویه دادگاه‌ها و حقوق نوشته (خصوصاً در حقوق اروپا) مستلزم این است که دلیل تقلب باید بدون واسطه اقامه شود [۱۹، ص ۲۶۵]. در حقوق انگلیس دلیل تقلب باید روشن باشد و به گونه‌ای اثبات شود که توضیح و تفسیر دیگری جز استثنای تقلب ممکن نباشد. همچنین هویت شخص متقلب در صدور حکم تقلب مؤثر است و فقط در صورت ارتکاب تقلب از سوی ذینفع قاعده تقلب اعمال می‌شود [۲۰، ص ۲۵۸].

در دعوی کوچی فوکو، دادگاه عالی کشور چین بیان داشت: «برای اثبات تقلب باید دلایل کافی و روشن وجود داشته باشد. عناصری که برای اثبات تقلب نیاز است عبارتند از: علم و اطلاع ذینفع از تقلب، و شرکت و همکاری در ارتکاب تقلب. لذا با توجه به این‌که اثبات تقلب از سوی ثالث به صورت مستقیم و بلاواسطه امکان‌پذیر نیست تقلب از سوی شخص ثالث (مثلاً متصدی حمل و نقل) نمی‌تواند به عنوان استثنای تقلب در نظر گرفته شود [۵، ص ۲].

سوم) متضرر شدن متقاضی از جعل: متقاضی باید از جعل صورت گرفته متحمل ضرر شود و به صرف تقلب شخص ثالث بدون اطلاع ذینفع نباید قاعده تقلب را قابل اعمال بدانیم؛ چرا که باعث نوعی بی‌ثباتی در معاملات بین‌الملل می‌شود. در دعوی کوچی فوکو، دادگاه عالی استدلال کرد بانک دلیلی درباره ایراد ضرر قابل توجه به متقاضی ناشی از تأخیر در ارسال کالاها ارائه نکرده است و ذینفع هیچ تقصیری در تاریخ غیر واقعی بارنامه نداشته است. بنابراین بانک نمی‌تواند به‌عنوان دفاع برای عدم پرداخت، به این مسأله استناد کند [۵]. علاوه بر این، اعمال قاعده تقلب موجب قربانی کردن ذینفع در مقابل تقلب شخص ثالث می‌شود [۸، ص ۳؛ ۷، ص ۱۵۶؛ ۲۰، ص ۲۵۹].

چهارم) بررسی اسناد: به موجب مقررات حاکم بر معاملات اسنادی، بانک فقط موظف است ظاهر اسناد را بررسی کند و مسؤولیتی در قبال بررسی قانونی یا جعلی بودن اسناد ندارد و فراتر از ظاهر نمی‌تواند به بررسی اسناد بپردازد [۲۱، ص ۶۴]. همچنین بانک باید اسناد را در ظرف مدت متعارف و معقول بررسی کند. معمولاً




دو یا سه روز بانکی برای بررسی اسناد ارائه شده کافی است [۱۸، ص ۵۵]. یو. آر. دی. جی ۷۵۸^۱ و یو. سی. پی ۶۰۰ مهلت ۵ روزه‌ای را برای بررسی اسناد تعیین کرده است. چنانچه تعهد صحت و اصالت اسناد را بر ذینفع تحمیل کنیم به بانک اجازه داده می‌شود که فراتر از بررسی ظاهری اقدام کند و دوره زمانی بیش‌تری برای بررسی و پرداخت اسناد نیاز بداند و در نتیجه از سرعت و کارایی این اسناد کاسته می‌شود [۲۲، ص ۲۲-۵].

پنجم) اصل انطباق دقیق: در دعوی مرچنتس، مجلس اعیان انگلیس این دیدگاه را اتخاذ کرد که گشاینده نسبت به پرداخت اعتبارنامه یک وظیفه قراردادی در مقابل متقاضی دارد. تعهد قراردادی بانک در برابر متقاضی اعتبار این است که کلیه اسناد ارائه شده را با مراقبت معقول بررسی کند تا مطمئن گردد اسناد مزبور بر حسب ظاهرشان منطبق با شروط و تعلیقات اعتبار هستند و در این صورت وجه مقرر در اعتبارنامه را به ذینفع بپردازد. لذا تا زمانی که تقلب و جعل در ظاهر اسناد مشخص نشده است و ظاهر اسناد منطبق با شروط اعتبارنامه است، ذینفع مستحق دریافت وجه از گشاینده است (هرچند با واقعیت اختلاف دارند و اظهاراتی متقلبانه و مجعول هستند) و در این صورت تا هنگامی که در ظاهر تقلب آشکاری اثبات نشده است ذینفع متقلب نیست و مستحق دریافت وجه است. در مقابل منتقدین بیان کرده‌اند این دیدگاه، دیدگاه متقاعدکننده براساس حقوق اعتبارات اسنادی نیست، این گفته صحیح نیست که بانک در مورد شکل، کفایت، صحت، اصالت، جعل یا آثار قانونی هر سندی متعهد و مسؤول نیست و ذینفع هم مسؤولیتی در رابطه با صحت و اعتبار اسناد ندارد؛ آن‌هم به دو دلیل:

اول این‌که ارائه اسناد معتبر و صحیح جزئی از قرارداد متقاضی و گشاینده اعتبار با ذینفع اعتبار است.

دوم این‌که استثنای تقلب تنها نسبت به کسانی که مستقیماً با معامله اعتبارات اسنادی در ارتباط و درگیر هستند اعمال می‌شود، نه افرادی که به طور غیر مستقیم در

۱. Uniform Rules for Demand Guarantees (URDG ۷۵۸)

مرتضی شهبازی نیا و همکار  مطالعه تطبیقی تأثیر تقلب ...

ایجاد سند و معامله اسنادی درگیر هستند.



۶. تحلیل دیدگاه نظام‌های حقوقی

همان‌طور که بیان شد دو دیدگاه در میان حقوقدانان مطرح است که در ادامه حقوق ایران، انگلیس، آمریکا و کنوانسیون آنسیترال راجع به ضمانتنامه‌های مستقل و اعتبارنامه‌های انتظاری را نسبت به دو دیدگاه مطرح، مورد بررسی قرار می‌دهیم.

۶-۱. نظام‌های موافق با اعمال قاعده تقلب

مطابق ماده ۵ اصلاحی قانون متحدالشکل تجارت آمریکا و ماده ۱۹ کنوانسیون آنسیترال راجع به ضمانتنامه‌های مستقل و اعتبارنامه‌های انتظاری، اگر اسناد جعلی و متقلبانه باشد بدون در نظر گرفتن هویت شخص متقلب، قاعده تقلب اعمال می‌شود؛ چرا که ماهیت اسناد ارائه شده ملاک است، نه هویت شخص متقلب. بند ۵-۱۰۹ از ماده ۵ اصلاحی قانون متحدالشکل تجارت آمریکا مقرر می‌دارد: «(۱) چنانچه یکی از اسناد لازم مجعول یا به طور عمد مزورانه باشد ... گشاینده اعتبار با رعایت حسن‌نیت اختیار دارد سند مزبور را پذیرفته و وجه اعتبارنامه را بپردازد یا از پذیرش این سند و پرداخت وجه خودداری کند».

کنوانسیون آنسیترال راجع به ضمانتنامه‌های مستقل و اعتبارنامه‌های انتظاری در بند ۱ ماده ۱۹ مقرر داشته است: «(۱) هر یک از اسناد اصل و صحیح نبوده یا مجعول یا مزورانه باشد».

در هر دو مقرر فوق از اسناد بدون توجه به شخص مرتکب صحبت شده است. لذا ارتکاب تقلب از سوی شخص ثالث بدون اطلاع ذینفع موجب عدم اعمال قاعده تقلب نمی‌شود. علاوه بر دو نظام فوق، حقوق ایران نیز در این گروه قرار می‌گیرد. در نظام حقوقی ایران، قانون خاصی حاکم بر اعتبارات اسنادی تجاری و ضمانتنامه‌ها تدوین نشده است. در سال ۱۳۷۲ ایران به یو. سی. پی ملحق شده است [۲۳، ص ۸۰]؛ اما این مقررات نیز درباره تقلب سکوت کرده و این موضوع باید بر مبنای حقوق داخلی



کشورها حل شود و از آنجا که در حقوق کشور ما مقررات خاصی در زمینه تقلب وجود ندارد باید بر اساس قواعد و اصول حقوقی، مسأله بررسی شود. با استناد به قواعد حقوقی از جمله قاعده لاضرر، قاعده نقض غرض، منع سوء استفاده از حق، نظم عمومی و اصول حقوقی می‌توان قاعده تقلب و حکم آن را استخراج و استنباط کنیم. در ارتباط با تقلب شخص ثالث و اثر آن باید وضعیت اسناد و تأثیر اصالت اسناد را بررسی کرد. در این باره ماده ۱۲۸۳ قانون مدنی در تعریف سند به معنای خاص مقرر می‌دارد: «سند عبارت است از هر نوشته که در مقام دعوا یا دفاع قابل استناد باشد». بر طبق این تعریف دلیلی سند محسوب می‌شود که دارای دو شرط باشد: (۱) نوشته باشد؛ (۲) در مقام دفاع یا دعوا قابل استناد باشد [۲۴، ج ۱، ص ۲۷۶] و چنانچه جعلیت سند اثبات شود از اعداد دلایل خارج می‌شود [۲۵، ص ۴۰۲]. لذا با استناد به این موارد می‌توان گفت در حقوق ایران مانند آمریکا و کنوانسیون آنسیترال راجع به ضمانتنامه‌های مستقل و اعتبارنامه‌های انتظاری، ماهیت سند ملاک است نه هویت شخص متقلب و زمانی که مجعول بودن سند اثبات شود قاعده تقلب اعمال می‌شود.

۶-۲. نظام مخالف با اعمال قاعده تقلب

حقوق انگلیس، قاعده تقلب را به رسمیت شناخته است؛ اما مقررات مدونی درباره این قاعده ندارد و آن را صرفاً در رویه قضایی حقوق انگلیس می‌توان یافت. مطابق معیارهای اعمال شده در رویه قضایی اثبات تقلب بسیار مشکل است. در واقع دادگاه‌های انگلیس یک رویه محدود و انعطاف‌ناپذیر را نسبت به اعمال قاعده تقلب برگزیده اند. از آنجا که استثنای تقلب در حقوق انگلیس مستلزم تقلب در حقوق کامن‌لا است، تقلب باید کاملاً آشکار و روشن اثبات شود. به‌علاوه، قصد ذینفع در ارتکاب تقلب ملاک است و اگر ذینفع در ارتکاب تقلب همکاری یا اطلاع نداشته، اعمال قاعده تقلب امکان‌پذیر نیست. لذا در فرض مورد بررسی که تقلب توسط شخص ثالث بدون اطلاع و همکاری وی صورت می‌گیرد این قاعده قابل اعمال نیست.



۷. نتیجه‌گیری

تقلب در معاملات اسنادی ممکن است از سوی شخص ثالث ارتکاب یابد. این موضوع با مصالح و حقوق چند گروه ارتباط پیدا می‌کند و باید تعادلی میان این مصالح ایجاد شود. همان‌طور که ملاحظه شد، در این خصوص دو دیدگاه وجود دارد. هیچ‌یک از این دیدگاه‌ها، انعطافی از خود نشان نمی‌دهند. مطابق یکی از رویکردها با اثبات تقلب و جعل در اسناد، قاعده تقلب اعمال می‌شود. در مقابل رویکرد دیگر حتی در صورت اثبات تقلب از ناحیه شخص ثالث، قاعده تقلب را قابل اعمال نمی‌داند. مطابق این رویکرد تنها در صورتی که بتوان اطلاع ذینفع از تقلب را اثبات کرد، قاعده تقلب قابل اعمال خواهد بود و با توجه به این‌که علم و قصد امر درونی است، اثبات آن مشکل و شاید امری محال باشد. در نتیجه چنانچه تقلب از ناحیه شخص ثالث صورت گرفته باشد، قاعده تقلب اعمال نمی‌شود. به نظر می‌رسد این دیدگاه با مصلحت و نظم عمومی از یک سو و از سوی دیگر با منافع و حقوق بانک و متقاضی در تضاد است.

بنابراین چنانچه تقلب از ناحیه شخص ثالث اثبات شود. دادگاه‌ها باید چند مسأله را بررسی کنند: این‌که آیا ذینفع از ارتکاب تقلب مطلع بوده است و یا در ارتکاب آن مشارکت داشته است. همچنین تقلب شخص ثالث تأثیر قابل توجهی دارد یا خیر. در صورتی که تقلب مؤثر بود نهایتاً رفتار ذینفع ناآگاه را بر مبنای رفتار شخص متعارف بررسی کنند و معیار نوعی را ملاک بدانند. اگر ذینفع مطابق رفتار یک فرد متعارف عمل کرده و مراقبت‌های لازم و مورد نیاز را به عمل آورده باشد، قاعده تقلب را نباید قابل اعمال دانست؛ اما اگر اقدامات متعارف را انجام نداده باشد، باید قاعده تقلب را قابل اعمال بدانیم. در این صورت می‌توان بین منافع بانک و متقاضی و ذینفع تعادل برقرار کرد.

۸. منابع و مأخذ

- [۱] Xiang, G, *The Fraud Rule in the Law of Letters of Credit: A Comparative Study*, Kluwer Law International, ۲۰۰۲.



- [۲] گائو ایکس یانگ و روس بوکلی، «مطالعه تطبیقی در مورد قاعده تقلب و معیار آن در حقوق اعتبار اسنادی»، ترجمه ماشاءالله بنانیاسری، *مجله حقوقی*، ش ۳۶، ۱۳۸۶.
- [۳] Ericsson. H, “Securing Export Payment – Particularly with Focus on China”, Master’s thesis, *Jönköping International Business School Jönköping University*, ۲۰۰۵.
- [۴] Gutteridge. H. C. and Megrah. M, *The Law of Bankers’ Commercial Credits*, ۷th ed, London: Europa Publications Limited, ۱۹۸۴.
- [۵] Civil Judgment of the Higher Court of Jiangsu Province of PRC, Tribunal No. ۳, Final Judgment, No. ۵۲, ۲۰۰۳. <http://www.lawinfochina.com/display.aspx?lib=case&id=۳۶۸#>
- [۶] Harfield. H, *Bank Credits and Acceptances*, ۵th ed, New York: Ronald, ۱۹۷۴.
- [۷] Zhang. Y, *Approaches to Resolving the International Documentary Letters of Credit Fraud Issue*, Publications of the University of Eastern Finland Dissertations in Social Sciences and Business Studies No ۱۵, ۲۰۱۱.
- [۸] Zhang. Y, “Evaluation of documentary letter of credit fraud exception rules in China”, *Journal of International Banking Law and Regulation*, ۲۰۱۴.
- [۹] Mallaya. S, “Documentary Credit Law”, PhD dissertation, *School of Legal Studies Cochin University of Science and Technology*, ۲۰۰۷.
- [۱۰] Debattista. C, “Performance Bonds and Letters of Credit: a Cracked Mirror Image,” *Journal of Business Law*, JUL, ۲۸۹-۳۰۵, ۱۹۹۷.
- [۱۱] Gillies. P & Moens. G; *International Trade and Business Law*, Policy and Ethics, Australia: by Cavendish Publishing Pty Limited, ۲۰۰۶.



- [۱۲] Browne. J, "The fraud exception to standby letters of credit in Australia: Does it embrace statutory unconscionability?" vol. ۱۱, *Bond Law Review* ۹۸, ۱۹۹۹.
- [۱۳] Tóth. Z, "Documentary Credits in International Commercial Transactions with Special Focus on the Fraud Rule", *PÁzmÁny Péter Catholic University Doctoral Degree Program of the Faculty of Law and Political Sciences*, Athens/Budapest, ۲۰۰۶.
- [۱۴] Smith. G. W, "Irrevocable Letters of Credit and Third Party Fraud: The American Accord", ۲۴ *Virginia Journal of International Law* ۵۵, ۱۹۸۳.
- [۱۵] Davis. A. G, *The Law Relating to Commercial Letters of Credit*, London: Wiley, Vol. ۲۸, No. ۲, Mar ۱۹۶۵.
- [۱۶] Ellinger. E. P, "Fraud in Documentary Credit Transactions", *J. B. L.* ۲۵۸, ۱۹۸۱.
- [۱۷] Mark. W, "Documentary Credits and Fraud: English and Chinese Law Compared", *J. B. L.*, Mar, ۱۵۵-۱۷۰, ۲۰۰۴.
- [۱۸] Longwa Kayembe. G, "The Fraud Exception in bank Guarantees", Master's thesis, *University of Cape Town*, ۲۰۰۸.
- [۱۹] Bertrams. R, *Bank Guarantees in international trade*, ۳rd ed, Kluwer law international, ۲۰۰۴.
- [۲۰] Jack. R, *et al Documentary Credits*, ۴rd, Tottel Publishing, ۲۰۰۹.
- [۲۱] Turner, P S. "Notices of Discrepancy and Requests for Waiver under UCP ۵۰۰ - What's the Problem?" In DC Insight Vol. ۱۰, No. ۳, ۲۰۰۴.
- [۲۲] Lazar. S, *Letters of Credit: the law and Current Practice*, Toronto: Carswell Legal Publications, ۱۹۸۹.
- [۲۳] نهاوندیان، محمد، یادداشتی بر مقررات متحدالشکل اعتبارات اسنادی (یو. سی.

پی ۶۰۰)، انتشارات کمیته بازرگانی بین‌المللی، ۱۳۷۳.

[۲۴] کاتوزیان، ناصر، اثبات و دلیل اثبات، ج ۱، تهران، میزان، ۱۳۸۰.

[۲۵] حیاتی، علی عباس، آیین دادرسی مدنی در نظم حقوق کنونی، چ ۲، تهران، میزان،

۱۳۹۰.